فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و ششم. پاییز ۱۳۹۷، صص۱۳۶-۱۲۵ Vol 2. No 26. 2018, p 125-136
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر نهادینه شدن حقوق محیط‌زیست

دکتر عسکر جلالیان[۱]. محمود شهرکی[۲]
۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری، رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم عصر حاضر که همچون موجی توفنده، روابط و مناسبات کشورها و دولت‌ها را دگرگون ساخته و با سرعت، پیوندهای پیچیده‌ای بین فرهنگ‌ها و جوامع بشری ایجاد نموده است. ولیکن این رویداد، تنها به امور اعتباری بین کشورها و توسعه تجارت ختم نمی‌شود بلکه ساختار تازه‌ای از جامعه شبکه‌ای ایجاد کرده و بدین طریق، تمامی مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی را به‌صورت یکپارچه در جغرافیای هم‌بسته کره زمین مورد تأثیر قرار داده است. یکی از حوزه‌های مهم و تأثیرپذیر در فرایند جهانی‌شدن، حوزه حقوق محیط‌زیست است. حقوق محیط‌زیست مجموعه قواعدی است که در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و روابط انسان و محیط اطراف آن است. همچنین به‌عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست ایجادشده است. هدف پژوهش در این مقاله شناخت فرآیند جهانی‌شدن و تأثیرات مثبت و منفی آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق محیط‌زیست و نهادینه حقوق محیط‌زیست می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده و روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی می‌باشد که به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است و از منابع مختلف جهت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، جهان سوم، فرصت، تهدید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بیان مسئله

جهانی‌شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر و ناگزیر است که به‌منزله بین‌المللی شدن و از بین بردن مرزهای جغرافیائی است. امروزه، جهانی‌شدن به‌منزله آشکارترین روندها در هم‌گرائی کشورهاست. واژهٔ "جهانی‌شدن " توان برانگیزانندهٔ قابل‌ملاحظه‌ای را به دست آورده است (پینگ لیم[1] ۲۰۰۸). برخی به آن به‌عنوان فرایندی بسیار سودمند (یک عامل مهم برای توسعه اقتصادی جهان در آینده) و درعین‌حال فرایندی اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل تغییر نگاه می‌کنند. عده‌ای نیز به فرایند جهانی‌شدن با خصومت و ترس نگاه می‌کنند و اعتقاد دارند که جهانی‌شدن، نابرابری در درون و بین کشورها را افزایش می‌دهد، وضعیت نیروی کار و استانداردهای زندگی را تهدید و پیشرفت‌های اجتماعی را خنثی می‌کند (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۵). بنا به تعریف گیدنز[2] جهانی‌شدن، بسط و تقویت روابط جهانی است؛ به نحوی‌که باعث خواهد شد حوادث داخلی یک منطقه بر وضعیت سایر مناطق اثر داشته باشد و بالعکس (**Giddens, 2016: 10**).

مهم‌ترین اثرات جهانی‌شدن، تأثیری است که این پدیده بر محیط‌زیست و منابع طبیعی کره زمین بر جا می‌گذارد. این رویداد در عرصه محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی عمل نماید. جهانی‌شدن اطلاعات باعث آن خواهد شد که شمار افرادی که وارد شبکه‌های جهانی کامپیوتر می‌شوند، روزبه‌روز افزایش‌یافته، شبکه‌هایی که افکار، اطلاعات و تصاویر را به‌طور آنی در سرتاسر جهان به گردش درمی‌آورند، افزایش و بدین طریق بر ادراک و آگاهی انسان‌ها در اقصی نقاط جهان افزوده و با بیدار نمودن وجدان‌های خفته و احساس مسئولیت در آن‌ها، باعث تحریک و تشویق آن‌ها در مشارکت جهانی محیط‌زیست شوند. از طرف دیگر، جهانی‌شدن خصوصاً در عرصه اقتصاد با ترویج داروینیسم باعث گسترش رقابت به ضرر کشورهای فقیر شده، فقر و تضاد میان کشورها را گسترش خواهد داد. بر این اساس تا زمانی که فقر، بیخانمانی، بی‌عدالتی، ناامنی، شکاف طبقاتی و فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر، زیاد باشد و انسان دست از خودخواهی و حرص و آز برندارد، جهانی‌شدن نه‌تنها منجر به بهبود محیط‌زیست که به نابودی بیشتر آن و انقراض نسل بشر خواهد انجامید. درهرحال چه بخواهیم و چه نخواهیم، جهانی‌شدن، ثروت می‌آفریند و در همان حال فقر به دنبال می‌آورد. حرص و آز و نوآوری و امید برمی‌انگیزد، مرارت‌ها و سختی‌هایی هم دارد و ناامیدی نیز در کام زندگی می‌ریزد. خوب یا بد، این دنیایی تازه است که ما بایستی تجربه کنیم (آقا بابایی و نیک بخش، ۱۳۹۳). تخریب حقوق محیط‌زیست امروزه یک موضوع جهانی است که از هر چهار منظر حقوقی، اکولوژیک، سیاسی و اقتصادی شایان توجه است. در این بین معضلات جهانی محیط‌زیست نیازمند راه‌حل‌های جهانی هستند. وابستگی‌های اقتصادی و اکولوژیک متقابل مستلزم طرح سیاست‌های هماهنگ ملی و کنش جمعی در سطح بین‌الملل هستند. دنیایی

1. Ping Lim
2. Anthony Godden's

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

که هر روز بیش از گذشته جهانی میشود مستلزم اندیشه‌ای جدید در مورد همکاری جهانی محیط‌زیست در رابطه با خود و در مورد یکپارچگی اقتصادی بیشتر است. ترکیب فوق‌العاده‌ای از مطالبات جهانی و اراده دولت‌ها برای هماهنگ‌سازی کنترل آلودگی و سیاست‌های مدیریت منابع طبیعی در مقیاسی جهانی و در مورد کشورها و مردم مختلف، دیدگاه‌ها و سنن سیاسی مختلف، سطوح ثروت و توسعه گوناگون، باورها و دامنه اولویت‌ها ضروری است. ولی منافع حاصل از این کار فرای حوزه محیط‌زیست هستند. درواقع، استراتژی‌های هماهنگ کنترل آلودگی و استانداردهای مدیریت منابع طبیعی، مجموعه مهمی از قوانین پایه را جهت تجارت بین‌الملل به دست داده که به‌عنوان سنگر اصلی در برابر شکست بازار در سیستم اقتصادی بین‌الملل عمل کرده، بازده جهانی‌شدن و منافع حاصل از آن را افزایش میدهد. در همین راستا هدف عمده و اصلی این تحقیق، شناخت فرآیند جهانی‌شدن و تأثیرات مثبت و منفی آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق محیط‌زیست و نهادینه حقوق محیط‌زیست می‌باشد.

جهانی‌شدن

جهانی‌شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و فضا که به‌واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورتی نسبتاً آگاهانه، در جامعه‌ای واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۶). جهانی‌شدن بین جوامع گوناگون در زمان‌ها و مکان‌های دور و نزدیک، تعامل و ارتباط برقرار می‌کند که گویا حدومرز و فاصله‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. شاید به همین دلیل است که برخی معتقدند متمایزکننده‌ترین مشخصه این دوره، در مقایسه با دوره مدرنیته، شیشه‌ای شدن مرزهای جغرافیایی و تودرتو شدن فرهنگ‌ها، اقتصادها و تأثیر و تأثر نظام‌های سیاسی به‌صورت هم‌زمان بر یکدیگر است (عاملی، ۱۳۸۰). جهانی‌شدن به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن اقتصادهای ملی بازتر شده و بیشتر تحت تأثیر اقتصاد فراملی قرار می‌گیرند. صندوق بین‌المللی پول، جهانی‌شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، جهانی‌شدن، رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالاها، خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر فناوری است (گل خندان، ۱۳۹۵). توماس لارسن[1] جهانی‌شدن را نوعی از کوچک شدن دنیا و کوتاه شدن فاصله‌ها می‌داند. پدیده‌ای که مناسب گسترش رفاه است؛ زیرا باعث می‌شود یک نفر در این‌سوی دنیا با دیگری در آن‌سوی دنیا تعامل منفعتیِ دوسویه داشته باشد (**Larsson, 2016: 5**).

جهانی‌شدن یک پدیده چندبعدی است که آثار آن در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و زیست‌محیطی و. . . دیده می‌شود. مک گرو جهانی‌شدن را برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و فرآیندی که از طریق آن حوادث تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در

1. Tomas Larsson

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد می‌داند. وی معتقد است جهانی‌شدن در تمامی حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد و ازاین‌رو جهانی‌شدن یک فرآیند چندبعدی است. جهانی‌شدن افزایش ارتباطات متقابل و تعاملات جهانی است که در آن دولت‌ها و جوامع مختلف به سمت ایجاد نظام نوین جهانی درحرکت‌اند به‌گونه‌ای که تمایز بین آنچه جنبه داخلی دارد و آنچه خارجی است. به‌طور روزافزونی محو و کمرنگ می‌کند (لطفی، ۱۳۸۹).

مزایای جهانی‌شدن محیط‌زیست

حفاظت از محیط‌زیست

حفاظت از انسان و محیط‌زیست در برابر مواد شیمیایی و تجهیزات آلوده‌کننده یکی از موضوعات مهم دستور کار جامعه بین‌المللی در عصر حاضر می‌باشد. تدوین معاهدات و کنوانسیون‌های الزام‌آور حقوقی در زمینه حفاظت از انسان و محیط‌زیست روند پر شتابی را در پیش‌گرفته است و در این زمینه کشورهای جهان سوم ازجمله کشورمان، ناچار به پیوستن به این روند می‌باشند. امروزه مصنوعات مربوط به انسان و محیط‌زیست و مواد لوکس و تزئینی و الکترونیکی، تنها مختص کشورهای توسعه‌یافته نیست. آلودگی و تخریب محیط‌زیست و بروز بحران‌های پی‌درپی زیست‌محیطی باعث شد دولت‌ها از حدود چهار دهه قبل به‌طورجدی به تکاپو افتاده تا چاره‌ای بیندیشند. به‌این‌ترتیب تاکنون حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت‌نامه بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه حفاظت محیط‌زیست و مسائل مرتبط با آن منعقدشده است که از این میان حدود ۷۰ کنوانسیون و پروتکل جنبه جهانی داشته و مابقی منطقه‌ای است. عزم جهانی برای حفاظت محیط‌زیست با تشکیل نخستین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط‌زیست معروف به "کنوانسیون استکهلم " در سال ۱۹۷۲ در سوئد جنبه عینی پیدا کرد، به‌طوری‌که حق برخورداری انسان از محیط‌زیست سالم هم‌طراز با حقوق بشر شناخته شد .در این میان ایران نیز به تعدادی از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها پیوست و سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان مرجع ملی، اجرای اکثر آن‌ها را بر عهده دارد (جم، ۱۳۸۸).

ارتقای سلامت در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملّی

پیشرفت تکنولوژی و تجهیزات فنی و استفاده از مواد گوناگون شیمیایی در پروسه تولیدات کشورها، به‌تدریج خطراتی برای انسان و محیط‌زیست به وجود آورده است. در ابتدا توجه به محیط‌زیست و سلامت انسان، فقط دغدغه کشورهای توسعه‌یافته بود اما در حال حاضر برای کشورهای درحال‌توسعه و جهان سوم یک مقوله و معضل به شمارمی آید. در جوامع بین‌المللی روند پرشتابی در خصوص حفاظت از سلامت انسان و محیط‌زیست آغاز شده است و ما ناچاریم که به معاهدات و نهادهای بین‌المللی بپیوندیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

این روند هم‌اکنون به شکل الزامات حقوقی و معاهدات و کنوانسیون‌های الزام‌آور در آمده است و هرسال بر تعداد آن‌ها افزوده می گردد (حبیبی، ۱۳۸۲).

تعهدات حقوقی بین‌المللی در زمینه حفاظت محیط‌زیست

اعلامیه‌های استکهلم ۱۹۷۲ و ریو ۱۹۹۲ توجه جهانیان را به اهمیت محیط‌زیست بیش از بیش به خود جلب نمودند .حفظ نسل انسان و تداوم حیات او در محیط امن و عاری از جنگ از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد می‌باشد .تنزل کیفیت محیط‌زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد. ازاین‌رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دارد. رابطه بین حقوق بشر و حق بر محیط‌زیست سالم توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است. ازنظر فیتز موریس سه مکتب فکری بزرگ در این مورد وجود دارد: در دیدگاه اول ادعا می شود که بدون حق به محیط‌زیست، حقوق بشر وجود ندارد. در دیدگاه دوم، وجود حق به محیط‌زیست به‌شدت سؤال‌برانگیز است و در دیدگاه سوم باور این است که حق بر محیط‌زیست سالم از بخش‌های دیگر حقوق بشر هم چون حق به زندگی، حق به‌سلامتی و حق به اطلاعات، قابل‌استخراج و شناسایی است. در رویکردی دیگر رابطه محیط‌زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان‌محور و محیط‌زیست محور موردبحث قرارگرفته است. علی رغم تفاوت‌های این دو دیدگاه، هم‌پوشی قابل‌ملاحظه‌ای هم بین این دو مشاهده می شود. مثلاً آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت محیط‌زیست می‌تواند تهدید مستقیمی محسوب شود. در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، علاوه بر اعلامیه‌های استکهلم و ریودوژانیرو، منشور جهانی طبیعت، ۱۹۸۲ اعلامیه لاهه درباره محیط‌زیست ۱۹۸۹ و اعلامیه ۱۹۹۹ پیشکک حق بر محیط‌زیست سالم را مورد شناسایی قرار داده‌اند. در سطح منطقه‌ای نیز اولین سندی که صراحتاً حق بر محیط‌زیست سالم را مورد تائید قرار داده است، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱ بوده است.

در سطح ملل آمریکایی نیز پروتکل سان سالوادور ۱۹۸۹ حق بر محیط‌زیست سالم را در ماده ۱۱ خود به رسمیت شناخته است. نکته جالب این است که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هیچ اشاره‌ای به محیط‌زیست سالم ندارد اما دادگاه اروپایی حقوق بشر با تفسیر موسع از مواد ۶ و ۸ کنوانسیون، حق بر محیط‌زیست سالم را مورد تائید قرار داده است. در همین راستا باید متذکر شد که این امر در اعلامیه ریو نیز به‌صراحت درج نشده است اما به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، با تفسیر توسعه پایدارمی توان این حق را استخراج نمود. کنوانسیون ۱۹۹۸ آرهوس در ماده ۱ خود حمایت از حقوق بشر و محیط‌زیست را با یکدیگر مرتبط می‌داند. جان کلام مطلب این است که حق بر محیط‌زیست سالم با حرکت بطئی خود در طی زمان در حال تبدیل به یکی از حقوق بنیادین بشر است. اسناد و معاهدات بسیاری این اصل را ضمناً یا صریحاً مورد شناسایی قرار داده‌اند. ابعاد تاریکی از این حق که قبلاً سبب شناسایی این حق به‌عنوان حقوق نرم یا قوام نیافته مورد تأکید قرار می‌گرفت، در حال تبدیل به حقوق سخت می‌باشد. از سوی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

دیگر تغییر و تحول در این حوزه به نیکی لزوم همکاری بین‌المللی را روشن ساخته است. دولت‌ها به این حقیقت پی برده‌اند که بدون همکاری مردمان و سازمان‌های غیردولتی امکان ایجاد محیط‌زیست سالم اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. اصل مشارکت عموم در حفظ محیط‌زیست از یک‌سو و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت ازجمله اصولی هستند که قابل‌تأمل هستند (آقا بابایی و نیک بخش، ۱۳۹۳). در این قسمت ابتدا مفهوم حق بر هوای پاک را بررسی می‌نماییم و سپس ارتباط این حق را با حق بر حیات و حق بر سلامت مطالعه می‌نماییم. آنگاه به اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط می‌پردازیم.

حق بر هوای پاک

آلودگی هوا را می‌توان به هرگونه تغییر در ترکیبات ایده آل که باعث تغییر کیفیت آن شده به‌گونه‌ای که برای سلامتی عمومی مضر باشد تعریف نمود. حق بر هوای پاک از زیرمجموعه‌های حق بر محیط‌زیست سالم به شمار می‌رود و در برخی قوانین بر "حق تنفس بر هوای پاک " صحه گذاشته‌شده است. بر اساس این حق هر شهروندی حق دارد در هوایی پاک و سالم تنفس نماید و دولت‌ها مکلف به اتخاذ تدابیری برای تضمین آن می‌باشند (سواری، ۱۳۹۰).

ارتباط آلودگی هوا با حق بر حیات

حق بر حیات از حقوق ذاتی هر شخص انسانی است که باید به‌موجب قانون حمایت شود. این حق در اسناد حقوق بشری متعدد مورد تأکید قرارگرفته است. در خصوص ارتباط این حق با محیط‌زیست نیز پیوندی ظریف برقرار است و می‌توان گفت که حیات هر انسانی بستگی به کیفیت محیط‌زیست او دارد و این موضوع هم شامل "صرف حیات " و هم شامل "کیفیت حیات " می شود و در هر دو بعد با محیط‌زیست ارتباط دارد. در زمینه آلودگی هوا و حق بر حیات نیز می‌توان این‌گونه استدلال کرد که با توجه به اهمیت عنصر هوا در زندگی انسان‌ها رابطه مستقیمی بین حفاظت از هوا در برابر آلودگی و حق بر حیات وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر وجود عنصر هوا مرتبط با صرف حیات و نبودن آلودگی در آن مرتبط باکیفیت حیات می‌باشد؛ بنابراین برای تعیین حداقلی از کیفیت زندگی و حیات برای شهروندان لزوم مقابله با آلودگی هوا اهمیت ویژه‌ای دارد.

ارتباط آلودگی هوا با حق بر سلامتی

شاید مهم‌ترین دلیل لزوم مقابله با آلودگی هوا در ارتباط با آثاری باشد که آلودگی بر سلامتی افراد می‌گذارد و خطراتی است که از این ناحیه شهروندان را تهدید می‌کند. هوا مهم‌ترین عامل در حیات انسان‌ها است و اگر آلودگی آن از سطح خاصی تجاوز کند باعث ایجاد خطرات مستقیم و غیرمستقیم بر سلامتی انسان خواهد بود. این خطرات به‌ویژه نسبت به افراد حساس (ازجمله بیماران مبتلابه آسم)،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

کودکان و سالخوردگان حائز اهمیت است. در این راستا می‌توان گفت که برخورداری از سلامتی در برابر عوامل آسیب‌رسان حق هر شهروندی است و رعایت این حق به‌ویژه نسبت به افراد آسیب‌پذیر (کودکان سالخوردگان و بیماران) اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. "حق بر سلامتی " و برخورداری از حداقل استانداردهای زیست جمعی در اسناد مختلف بین‌المللی موردتوجه قرارگرفته و برخورداری از استانداردهای قابل حصول سلامتی را مورد شناسایی قرار داده است و برای دولت‌ها در این زمینه تعهدات سلبی و ایجابی ایجاد نموده که ازجمله تعهدات سلبی دولت‌ها در ارتباط با آلودگی هوا و حق بر سلامتی می‌توان به "تعهد به اجتناب از آلوده ساختن غیرقانونی هوا " اشاره نمود؛ بنابراین می‌توان گفت که آلوده کردن غیرمجاز هوا نقض حقوق شهروندی و حق بر سلامتی محسوب می شود و نیاز به راهکارهای حقوقی مقابله با این نقض کاملاً احساس می‌گردد (سواری، ۱۳۹۰).

اصل مشارکت عموم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که بی‌شک تأثیر بسیاری در جامعه بین‌المللی سنتی نهاده است. این عامل در کنار مسئله حاکمیت دول و ارتقای روزافزون حقوق بشر تا چه حد بر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تأثیرگذار بوده‌اند؟ یکی از وجوه ممیزه حقوق محیط‌زیست از دیگر رشته‌های حقوق بین‌الملل، وجود اصول متعدد و مبهم و غیر الزام‌آور در این شاخه حقوقی است. به‌طوری‌که برخی گفته‌اند، تمام اصول جدید ایجادشده با توسعه اخیر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بسیار مشکل خواهد بود. شاید در هیچ زمینه‌ای در حقوق بین‌الملل هم چون محیط‌زیست با تنوع متولیان مواجه نباشیم. البته این مسئله یکی از محاسن این رشته حقوقی است. اصل مشارکت عموم در اعلامیه استکهلم به‌طور صریح شناسایی نشده است؛ اما اصل ۱۰ اعلامیه ریو این اصل را شناسایی نموده است. البته نباید فراموش نمود که این اعلامیه‌ها خودبه‌خود الزام‌آور نیستند اما نقشی مهم در شکل‌گیری قواعد عرفی دارند. از این لحاظ اصل مشارکت جنبه اعلامی دارد. البته ناگفته پیداست که تمام اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از مقام و منزلتی یکسان برخوردار نیستند. برخی اصول همچون اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین به علت تکرار آن در اسناد گوناگون و شناسایی و تائید آن توسط مراجع داوری و دادگستری بین‌المللی، جنبه عرفی یافته‌اند که در این صورت دیگر نمی‌توان این اصل را با اصول دیگر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مقایسه کرد (زمانی، ۱۳۸۸).

تأثیرات جهانی‌شدن بر حقوق محیط‌زیست

جهانی‌شدن نمود مجموعه‌ای از تأثیرات مثبت و منفی بر حقوق محیط‌زیست است و با فرصت‌های جدیدی برای همکاری همراه است؛ ولی به شکل‌گیری مسائل و تنش‌های تازه هم می‌انجامد. برای مثال، تجارت آزاد به رشد اقتصادی که خود به افزایش آلودگی‌هایی چون دفع فرامرزی پسماندها و مصرف ناپایدار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

منابع طبیعی می‌انجامد، همراه می‌شود. به همین ترتیب، یکپارچگی اقتصادی به تقویت فشارهای رقابتی فرامرزی انجامیده، از طریق کاهش قیمت‌ها، بهبود خدمات و افزایش گزینه‌ها برای انتخاب، به مشتریان کمک می‌کند؛ اما چنین فشارهایی، توان دولت‌ها برای کنترل را محدود کرده، ضرورت هماهنگی سیاست‌های داخلی بین دولت‌ها و همکاری برای مدیریت مشترکات جهانی را به همراه می‌آورد. در صورت ناکافی بودن ساختارهای کنترلی و بدون نظارت مؤثر بین‌المللی، جهانی‌شدن، آسیب‌های محیط‌زیستی را تشدید می‌کند (فرخ نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

کاهش حداکثری تأثیرات منفی جهانی‌شدن بر حقوق محیط‌زیست

بر اساس یک نظریه اقتصادی، بازار آزاد می‌تواند سطح بهینه و توأم با رفاهی از کاربرد منابع، تولید، مصرف و حفاظت محیط‌زیست را در صورت جبران قیمت‌های منابع، کالا و خدمات، تمام هزینه‌ها و مزایای اجتماعی مصرفشان به وجود آورد. با وجود این، زمانی که هزینه‌های خصوصی مبنای تصمیمات بازار از هزینه‌های اجتماعی فاصله می‌گیرند، شکست بازار رخ داده است و این مورد به ناکارآمدی و سطوح نامطلوب مصرف منابع و آلودگی می‌انجامد. تشدید فشارهای تجارت بین‌الملل و رقابت‌پذیری ناشی از جهانی‌شدن ممکن است با تأثیرات مخربی بر کیفیت محیط‌زیست همراه گردد؛ زیرا شکست‌های بازار، مشخصه قلمرو محیط‌زیست هستند. بسیاری از منابع مهم نظیر آب، الوار، نفت، ماهی، زغال‌سنگ و. . کمتر از بهای واقعی به فروش می‌رسند. امکانات ناشی از اکوسیستم نظیر جلوگیری از سیل، حفظ آب، تجزیه کربن و تأمین اکسیژن غالباً بهایی ندارند. ازآنجاکه به منابع کمتر بهاداده شده و یا بدون بها بیش‌ازحد استفاده می‌شوند، عاملان اقتصادی می‌توانند تمام یا بخشی از هزینه‌های محیط‌زیست را که خود تولید کرده‌اند به سایرین منتقل و به این وسیله مشکلات محیط‌زیست را تشدید کنند (**Newell, Roberts, 2016: 270**).

یکی دیگر از مسائل مرتبط و شایان توجه آن است که تجارت آزادتر به شکل‌گیری فشارهای رقابتی می‌انجامد که استانداردهای محیط‌زیست را تنزل می‌دهند. مسابقه نظارت ممکن است در زمانی که کشورها استانداردهای محیط‌زیستی خود را برای جلوگیری از افزایش بار مسئولیت صنایع در قبال هزینه‌های کنترل آلودگی بیشتر از رقبای عاملشان در مناطق با استانداردهای پایین‌تر تنزل می‌دهند، رخ دهد. درحالی‌که شواهد چندانی از تنزل استانداردها وجود ندارد، مسئله اصلی رقابت تا انتها نیست، بلکه مسئله این است که یکپارچگی اقتصاد به شکل‌گیری دینامیک کنترلی که طی آن، استانداردها به صورت استراتژیک و با کنترل مسئولیت‌ها در قبال کنترل آلودگی در کشورهای رقیب تنظیم می‌شوند، می‌انجامد. نتیجه حاصل ممکن است «اصطکاک سیاسی» باشد که حداقل در برخی از کشورها به استانداردهای مادون بهینه می‌انجامد. این تأثیرات اگرچه در ظاهر با قوانین محیط‌زیست همراهی و همسویی دارند، ولی عملاً باعث تضعیف این قوانین (محیط‌زیست) می‌شوند (**Jinnah & Kennedy, 2011: 12**). تنوع و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

گوناگونی شرایط، از جذابیت استانداردهای یکپارچه در مقایسه با استانداردهای تنظیم‌شده بر اساس شرایط ناهمگون موجود می‌کاهد. البته این امر همواره صادق نیست. استانداردهای واگرا در کشورهای مختلف ممکن است هزینه‌های مبادله‌ای را بر کالاهای معامله‌شده تحمیل کنند که از طریق ایجاد امکان حفظ الزامات مشخص برای هر کشور، از سودهای حاصل پیشی می‌گیرند.

هماهنگ‌سازی رو به بالا هم ممکن است رخ دهد؛ ولی این منطق تنها در مورد استانداردهای محصول اعمال می‌شود. استانداردهای مرتبط با فرایندها یا روش‌های تولید، موضوع فشارهای بازار یکسانی نیستند. باوجوداین، نحوه تولید محصولات حائز اهمیت است. از طرف دیگر تأثیرات خارجی مرتبط با تولید را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برای مثال، نیمه‌هادی‌های تولیدشده با استفاده از کلرو فلورو کربن‌ها باعث از بین رفتن لایه ازن می‌شوند. زمانی که توافقات بین‌المللی محیط‌زیست مانند پروتکل حفاظت از لایه ازن مونترال موجود هستند، مقررات تجاری را باید در راستای اجرای استانداردهای مورد توافق تفسیر کرد (فرخنده نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

افزایش حداکثری تأثیرات مثبت جهانی‌شدن بر حقوق محیط‌زیست

رشد و تجارت گسترده اقتصادی را می‌توان در قالب چهار دسته جای داد. تأثیرات قیاس به رشد آلودگی و اتمام منابع طبیعی به دلیل فعالیت اقتصادی زیاد و مصرف بیشتر اشاره دارد. تأثیرات تکنیک از گرایش به فرایندهای تولید پاک‌تر به‌موازات رشد ثروت شکل‌گرفته و تجارت، امکان دسترسی به فناوری‌های بهتر و بهترین شیوه‌های محیط‌زیست را افزایش می‌دهد. تأثیرات ثروت و درآمد زمانی رخ می‌دهند که توان مالی بیشتر با سرمایه‌گذاری منابع بیشتر در راستای حفاظت از محیط‌زیست همراه می‌شود و تقاضا برای توجه بیشتر به کیفیت محیط‌زیست را به دنبال دارد. تأثیرات ترکیب به‌موازات تحول مبنای اقتصادی به سمت اقتصاد خدمت محور و بر مبنای فناوری پیشرفته توأم با تغییر ترجیحات به‌سوی کالاهای پاک‌تر شکل می‌گیرند. تأثیر محیط‌زیست ناشی از رشد اقتصادی به نتیجه این چهار اثر بستگی دارد. در صورتی‌که تکنیک، درآمد و تأثیرات ترکیب بر تأثیرات منفی فعالیت بیشتر پیشی گیرند، تأثیر کلی مثبت خواهد بود. برای مثال، به نظر می‌رسد که تجارت آزاد، میزان دی‌اکسید سولفور را کاهش می‌دهد. باوجوداین، به نظر می‌رسد که فعالیت اقتصادی و تجاری گسترده می‌تواند شرایط محیط‌زیست را در سایر موارد وخیم‌تر سازد. برای مثال، صدمات محیط‌زیست منطقه‌ای و جهانی همبستگی مثبتی با افزایش درآمد دارند. زمانی که آلودگی و صدمات را می‌توان به کشورهای دیگر منتقل کرد، انگیزه چندانی برای پرداخت هزینه‌های حمایت وجود ندارد؛ چون بخش اعظم سود به شهروندان ممالک دیگر تخصیص می‌یابد **(Dalin and Rodriguez lturbe,2016;43)**.

یکپارچگی اقتصادی با تأثیرات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تری همراه است .افزایش وابستگی‌ها اغلب به ایجاد حس جمعی که مبنای ارزش‌های مشترک را تشکیل می‌دهد و به شهروندان مبنایی جهت درخواست

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

رعایت استانداردهایی نظیر تعهد نسبت به مباشرت محیط‌زیست از طرفین تجارتشان را می‌دهد، می‌بخشد. به‌موازات گسترده و عمیق‌تر شدن یکپارچگی اقتصادی، گستره نیازهایی که شهروندان معتقدند باید در مجموعه استانداردهای اساسی منعکس شوند، افزایش می‌یابد. جریان یکپارچگی اقتصادی و سیاسی موازی همواره سهل و هموار نیست. بااین‌حال، درصورتی‌که کشورها بخواهند روابط اقتصادی خود را تعمیق کنند، ایجاد حس جمعی ضرورت می‌یابد. چنین دینامیکی با تنش همراه است؛ چون برخی از کشورها به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه انتظار دارند طی تعیین استانداردهای محیط‌زیستی خود، استقلال ملی کاملی کسب کنند. ولی این ایده که سیاست محیط‌زیست را می‌توان در خلأ سیاسی داشت و از فشارهای خارجی مصون ماند، لزوم یکپارچگی اقتصادی را به‌درستی منعکس نمی‌کند .هم‌زمان کشورهای توسعه‌یافته‌ای که معتقدند ترجیحات اخلاقی‌شان باید بی‌چون‌وچرا پذیرفته شوند با عکس‌العمل‌های سیاسی جدی مواجه می‌شوند. درمجموع، بدون وجود یک مبنای سیاسی استوار شامل توافق بر سر نحوه برخورد با چالش‌های مشترک محیط‌زیست، انگیزه‌ای برای یکپارچگی اقتصادی وجود نخواهد داشت (**Bernauer & Nguyen, 2015: 12**).

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن با تأثیراتی مثبت و منفی بر حقوق محیط‌زیست همراه است و می‌تواند مشکلات محیط‌زیست را تشدید کرده، ابزارهای جدیدی نیز برای برخورد با آن‌ها ایجاد کند. انتخاب‌های محیط‌زیستی می‌توانند مسیر جهانی‌شدن را شکل دهند؛ زیرا گزینه‌های نظارت ملی می‌توانند به‌عنوان موانعی بر سر راه تجارت آزاد عمل کرده یا همگرایی به‌سوی استانداردهای عالی بین‌المللی را ایجاد کنند. بحث اصلی، این است که افزایش حداکثری پتانسیل جهانی‌شدن در جهان مستلزم اصلاح اساسی ساختارهای نظارت جهان و ساختار بین‌المللی در راستای همکاری‌های محیط‌زیست است. حساس‌تر ساختن سازمان‌های مالی و تجاری چند جانبه نسبت به حقوق محیط‌زیست ضروری است، ولی کافی نخواهد بود و باید ساختار نظارت جهانی محیط‌زیست نیز به‌سرعت اصلاح گردد. در این راستا، ایجاد یک سازوکار جهانی محیط‌زیست برای آشکارسازی خطرهای محیط‌زیست در مقیاس جهانی، تسهیل چانه‌زنی و مذاکره، حمایت از مدیریت مناسب مشترکات جهانی و توسعه شیوه‌های بهینه و فناوری‌های نوین ضروری است. با توجه به اینکه محیط‌زیست فرایندی است که با سرعت در حال تکوین است؛ کشورهای توسعه‌یافته علی‌الخصوص اروپایی از آن در جهت منافع حیاتی خود بهره‌برداری می‌نمایند اما کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه تولیدکنندگان نفت و در بین آن‌ها به‌ویژه کشورمان ایران بر اساس ساختار توسعه‌ای خود، نیاز به شناخت جدی این فرایند و تأثیرگذاری بر آن‌ها دارند و درعین‌حال باید در سطوح داخلی آماده‌سازی لازم را به عمل آورند، در غیر این صورت پیامدهای سنگینی را متحمل خواهند شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آقا بابایی، پیمان، نیک بخش، علی (۱۳۹۳)، جهانی‌شدن حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دومین همایش سراسر محیط‌زیست، انرژی و پدافند زیستی.

ـ جم، فرهاد (۱۳۸۸)، دموکراسی زیست‌محیطی برای حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم،

ـ حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۲)، حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشریت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره، ۶۰ تابستان، ۸۲ صص. ۱۷۰-۱۳

ـ زمانی، سید قاسم (۱۳۸۸)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (شخصیت، مسئولیت، مصونیت)، تهران، شهر دانش.

ـ سواری، حسن (۱۳۹۰)، نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۲، . ۲۰۶-۱۷۵.

ـ عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۰). تعامل جهانی‌شدن، شهروندی و دین، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۸، ص ۱۶۷-۲۰۰.

ـ فرخی‌نژاد، سما، آرش پور، علی رضا، رئیسی، لیلا (۱۳۹۶)، تأثیرات جهانیشدن بر مقوله حمایت از حقوق محیط زیست، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۳.

ـ گل خندان، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). جهانی‌شدن و اندازه دولت در ایران: با معرفی شاخص جدید جهانی‌شدن **KOF**. مجله اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۱۱-۱۲.

ـ گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، چاپ سوم.

ـ لطفی، حیدر؛ محمد زاده، آزاده. (۱۳۸۹). فرآیند جهانی‌شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام(۲۰۱۰ **ICIWG**). زاهدان.

ـ محمودی رجا، سید زکریا؛ امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ باقری‌دولت‌آبادی، علی. (۱۳۹۵). تحلیل رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جهانی‌شدن فرهنگ با استفاده از نظریه آشوب. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷.

__ Bernauer, Thomas, Nguyen, Quynh, 2015, Environmental Concerns and Individual Trade Policy Preferences in Developing Countries, ETH Zurich Center for Comparative and International Studies.

__ Dalin, Carole, Rodriguez – Iturbe, Ignacio, 2016, <<Environmental Impacts of Food Trade Via Resource Use and Green House Gas Emission>>, No. 3, Vol. 11, Environmental Research Letters.

__ Giddens, Anthony, 2016, Anthony Giddens Runaway World- A Summary,UK,Roulledge (New Edition).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

__ Jinnah, Sikina & Kennedy,Julia, 2016, A New Era of Trade – Environment Politics: Learning from US leadership and its Consequences Abroad,USA,The White Head Journal of Diplomacy & International Relations.

__ Larsson, Tomas,2016, the Race to the Top; the Real Story of Globalization, Cato Institute (New Edition).

__ Newell, Peter, Roberts, J. 2016, Timmons, Globalization and the Environment, Willey – Blackwell.

__ Ping Lim, C. (2008). Global citizenship education, school curriculumand games: Learning Mathematics, English and Scienceas a global citizen, journal of computers & Education, 51: 1073-1093.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]